هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

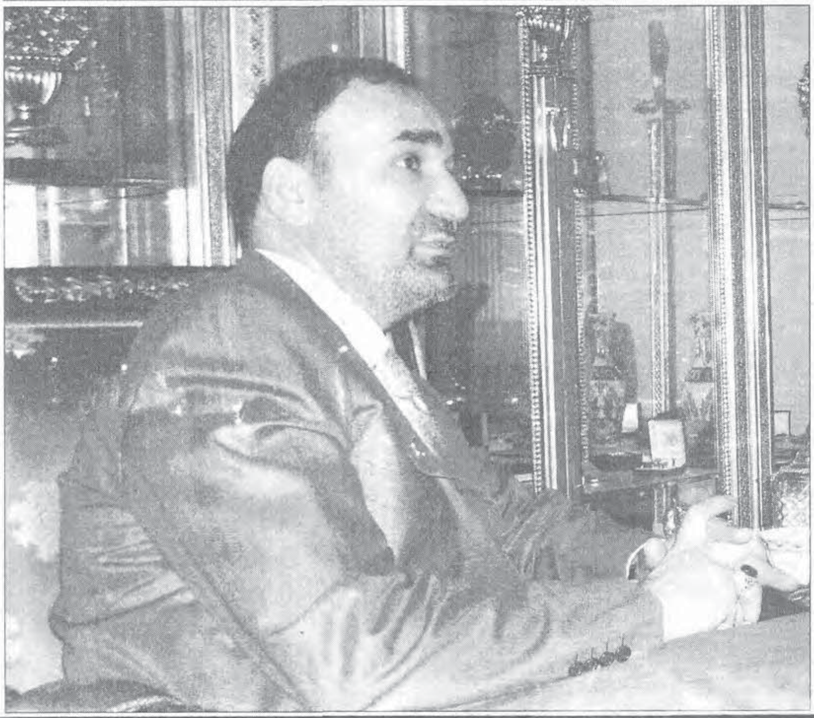
شفافیت در شمارش آراء یگانه راه حل بحران در کشور است

ص۲

د ملاعمر د پیغام څو مهم ټکی

ص۷

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست وپنجم ٤ میزان – ۱۳۸۸ –٦ شوال المکرم ۱٤۳۰ 26- September 2009



عطامحمدنور والی بلخ در گفتگوی اختصاصی با هفته نامهٔ مجاهد:

اعمال تخریبی در شمال توسط حلقات معین دولت صورت می گیرد

آنچه را که به بهای خون فرزندان مردم و شهدا عزیز بدست آوردیم نمی گذاریم دیگران نابود کننند

تقلب گسترده در ا نتخابات صورت گرفته و مفهوم دموکراسی و انتخابات زیر سوال رفته است

ص۵

مک کریستال، استراتژی جدید با تاکتیک های کهنه!

ص۲

جامعهٔ جهانی در پی یافتن راهی برای خروج از افغانستان است

چند ماه اخیر، خونین ترین ماه های افغانستان در هشت سال گذشته برای نیروهای خارجی بود تلفات این نیروها بصورت پیهم افزایش یافت. حمایت از حضور نیروهای خارجی مستقر درافغانستان در میان شهر وندان کشور های عضوی ناتو از جمله امریکا، بصورت بی سابقه کاهش یافته است از جانب دیگر، بحران در افغانستان وارد مرحلهٔ نگران کنندهٔ شده است. این تحولات ایدهٔ خروج از افغانستان را بصورت جدی در ذهن رهبران برخی کشور ها مطرح کرده است.

برخی حکومت های غربی بصورت واضحی گفته اند می خواهند از افغانستان خارج شوند و برخی دیگر با پشنهاد برگزاری کنفرانس های بین المللی و تغییرات در افغانستان، در صدد یافتن راه های آبرومند تر خروج هستند.

به دنبال کشته شدن ۶ سرباز ایتالیای بر اثر یک حمله انتحاری در کابل که در آستانه عید فطر صورت گرفت، مقامات

ادامه درص۳

بحران ها فراگیر می شوند

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

عصر کنونی را اگر عصر بحران ها بنامیم، شاید به خطا نرفته باشیم. گرچه آثار نوشته شده در پیوند به صلح و جنگ، صلح را حالت اصلی در زندگی جوامع انسانی عنوان می دهند، اما عملکرد رهبری ها در سطح دولت ها و نقش آن ها در ایجاد بحران ها در مناطق مختلف جهان ـ بخاطر تأمین منافع خویش ـ گویای آن است که جنگ در تصور آنان، حالت اصلی در زندگی انسان ها بوده و واژه «صلح» واژه ای است که تنها در پرده انداختن برچهره واقعی نیات آنان مصرف دارد و بس.

بر اساس حاکمیت چنین طرز فکر و نگرشی امروز همه نهاد های صلح در سطح منطقه و جهان، فاقد کارائی بوده و جز کار کرد های نمایشی درین جا و آن جا، کار دیگری از آن ها ساخته نیست و قدرت های یکه تاز جهان در عرصه های اقتصاد و سیاست و ... با بحران آفرین های خود در گوشه گوشهٔ جهان، از جمله کشور ما، به ریش این نهاد ها پوزخند می زنند.

آری! با ذکر نکات فوق اینک به آن مناطقی بحرانی اشاره می شود که نه تنها بحران های پیشین مهار نشدند که بحران های نو نیز جوانه زده و شاخ و پنجه کشیدند.

افغانستان بحیث یکی از مناطق بحرانی، از دوران جنگ سرد بدینسو دچار بحران است، بحرانی که با گذشت هر سال و ماه دامنه آن گسترده ترشده و شکل پیچیده تری را به خود می گیرد.

بحران افغانستان اگر در دوران جنگ سرد توسط اتحاد شوروی وقت بحیث ـ یکی از بازیگران اساسی جهان چند قطبی ـ ایجاد گردید، بعد از تحول سیاسی در جهان، و سقوط بلاک شرق و تبدیل شدن جهان دو قطبی به یک قطبی، آتش این بحران توسط ابر قدرتان جهان تک قطبی دامن زده شده وشعله های این بحران تا آن جا ها زبانه کشید که حادثه یازده سبتامبر را شعله ورکرد. افغانستان بعد از حادثه یازده سبتامبر با تحولی

ادامه درص۶

بحران کنونی و راه های (احتمالی) بیرون رفت

محمدنسیم فقیری

همه اتفاق نظر داریم که کشور ما در حالت بحران قرار دارد. در کنار معضلات دیگر، خالی بودن مقام ریاست جمهوری از لحاظ قانونی و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری توأم با تخلفات و دست کاری و تقلب و .... و شیوهٔ شمارش آراء و موضوع گیری جانبدارانهٔ کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات و غیر جانبدارانهٔ کمیسیون شکایات انتخاباتی و ... از مسایل مهم بحران کنونی.

یک ـ مقام ریاست جمهوری!

پس از اول جوزای گذشته، آقای کرزی رئیس جمهور قانونی کشور نیست و فقط به زور این کرسی را حفظ کرده و از آن دست بردار نمی شود! هرگاه نظر ستره محکمه نیز پذیرفته شود

ادامه درص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ١٣٥٧ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ٠٧٠٢٨٥١٣٩ و ٠٧٠٨٨٢٧٨٩٠
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

شفافیت در شمارش آراء یگانه راه حل بحران در کشور است

به علت تقلبات گستردهٔ که در انتخابات ٢٩ اسد صورت گرفت، بحران در کشور دامنه های جدیدی پیدا کرد، از میان رفتن مشروعیت انتخابات، شکست دموکراسی، از میان رفتن مشروعیت حضور نیروهای خارجی، از میان رفتن اعتماد مردم افغانستان نسبت به حکومت، دموکراسی و جامعهٔ جهانی، دامنه های جدید بحران در کشور است.

برای ره یافت حل این بحران، راه کار های گوناگونی نزد جامعه جهانی، حکومت افغانستان و گروه های سیاسی مطرح است. سرپوش گذاشتن به این رسوایی یکی از این راه کار ها است که مورد توجه حکومت آقای کرزی و برخی از کشورها قرار دارد. سخنگویان رئیس جمهور این راه کار را با عبارات و حرفهای مختلف در رسانه ها عنوان می کنند و می گویند تقلب آن قدر گسترده نبوده است که مشروعیت انتخابات زیر سوال برود، بنابر این نباید تقلب در رسانه ها مطرح شود و افکار مردم پراگنده گردد.

این اشتباه بزرگی دیگری است که تیم آقای کرزی به دنبال تقلب در انتخابات مرتکب آن می شوند، سرپوش گذاشتن بر تقلبات شاید بتواند یک آرامشی قبل از طوفان را به میان بیاورد و امید واری کوتاه مدتی ایجاد کند و شماری بتوانند بیشتر جیب های شان را پر کنند، اما به هیچ صورت راه حل منطقی این بحران نبوده ممکن است بزودی بی اعتمادی و نا رضایتی مردم را بشدت افزایش دهد و بحران را وارد مرحلهٔ خطرناکی سازد.

حفظ چنین حکومتی تقلب کار و فاسد که فاقد مشروعیت و مقبولیت در میان مردم است، چالشها و دشواری های جدیدی را برای خارجیان ببار می آورد و حمایت شهروندان کشور های را که برای تقویت چنین حکومتی فرزندان خویش را افغانستان فرستادند، کاملاً از میان می برد. بنابر این سرپوش گذاشتن بر تقلبات و اعلان مشروعیت برای این انتخابات، به هیچ صورت راه حل عاقلانه برای بحران کنونی دانسته نمی شود.

راه حلی که مطمئناً می تواند آبروی برای دولت افغانستان و جامعه جهانی ایجاد کند و اعتماد از دست رفتهٔ مردم و گروهای سیاسی افغانستان را اعاده نماید، بر خورد شفاف و مسؤلانه با تقلب و تفکیک آرای واقعی از آرای کثیف است.

در صورتی که در نتیجهٔ شمارش شفاف آراء، انتخابات به دور دوم برود. با درس گیری از دور اول انتخابات، باید تدابیر لازم برای تضمین شفافیت دور دوم فراهم شود و قبل از برگزاری انتخابات، اعتماد و رضایت رقبای انتخاباتی حاصل گردد تا دیگر هیچ بهانه و دلیلی برای مخالفت وجود نداشته باشد و نتیجهٔ انتخابات بدون هیچ تردید و تقاضای بازنگری پذیرفته شود.

مک کریستال، استراتژی جدید با تاکتیک های کهنه!

وحید مژده

جنرال استانلی مک کریستال فرمانده نیروهای ناتو و امریکا در افغانستان در یک گزارش نه چندان محرمانه به رئیس جمهور اوباما که بخش هائی از آن در رسانه ها نیز به نشر رسیده گفته است که اگر نیروهای خارجی در افغانستان افزایش نیابد، امکان شکست در جنگ افغانستان دور از امکان نیست. مک کریستال در این گزارش خواهان افزایش دهها هزار سرباز جدید به شمار سربازان قبلی امریکا در افغانستان گردیده است.



اگر به گذشته بنگریم، هجوم نیروهای خارجی به افغانستان در اواخر سال ٢٠٠١ روی یک برنامهٔ دقیق قبلی صورت نگرفت بلکه همانگونه که امروز نیز امریکائی ها اذعان دارند، واقعهٔ یازدهم سپتامبر این حمله را سمت و سو داد و بنابراین حمله به افغانستان بیشتر یک عکس العمل در برابر اقدام گروهی بود که با استفاده از قلمرو یک کشور تجرید شده و محاط به خشکه، امریکا را تحقیر کرده بودند و اگر امریکا بسرعت عکس العمل نشان نمی داد و قدرت رزمی برتر خود را به نمایش نمی گذاشت، نمی توانست جهانی را که در آن ادعای رهبری داشت کنترول نماید.

حمله به افغانستان نه تنها در بخش نظامی بلکه در تمام بخش ها فاقد یک استراتژی کامل و از قبل تعیین شده بود. هرچند در کنفرانس بن مسیری برای حرکت افغانستان بسوی یک فردای بهترتعیین گردید اما در این کنفرانس بیشتر تاکید به ساختن نهاد های دیموکراتیک و جامعهٔ مدنی بود. نه تنها خارجیان بلکه زنان و مردان افغانی که از کشور های خارجی آمده بودند تا فکری برای آیندهٔ افغانستان بعد از طالبان بنمایند، همه به این تصور بودند که پیشرفت افغانستان فقط در گرو الگو برداری از ارزش هائی است که در جهان غرب بعنوان ارزش های دیموکراتیک مطرح است. غافل از این حقیقت که ارزش های دیموکراتیک در جوامع غربی ناشی از تجارب خودجوش ملت ها در محیط های متفاوت و در طول دهه های متمادی است.

بعد از سرنگونی نظام طالبان، جهان غرب با سخاوت به افغانستان کمک کرد تا اقتصاد در این کشور سروسامان یابد اما در این بخش نیز استراتژی مشخصی وجود نداشت و اولویت ها طبقه بندی نشد. بخش بزرگی از این کمک ها در مواردی به مصرف رسید که امروز کسی نمی تواند از آن حساب بدهد. این نوع بی سروسامانی در کمک ها موجب بمیان آمدن یک طبقهٔ کوچک مرفه گردید و فاصلهٔ طبقاتی میان اکثریت فقیر و یک اقلیت ثروتمند که امروز بشکل یک مافیای اقتصادی در تار وپود اقتصاد ضعیف و مصرفی افغانستان نفوذ کرده است، تنش های طبقاتی در جامعه را بمیان آورد و در گسترش ناامنی ها تاثیر برجا نهاد.

بی اعتنائی به ارزش های دینی و ملی مردم افغانستان عامل دیگری بود که بصورت عمدی و ظاهرا برای گرفتن انتقام از افراط گرائی در جامعهٔ بعد از طالبان، تشویق و ترغیب شد بدون اینکه به این حقیقت توجه شود که تمایل یک اقلیت غرب زدهٔ کوچک شهری را نمی توان در جامعهٔ سنتی افغانستان تعمیم داد.

یکبار دیگر توجه به یک قشر کوچک شهری بریده از روستا و بی توجهی به اکثریت مردم کشور که در روستاها با شرایط نهایت سخت و دشوار حیات بسر می برند، مشکل آفرین شد. هیچکس به این حقیقت توجه نکرد که بستر ناامنی ها در افغانستان در طول تاریخ روستا های این کشور کوهستانی بوده و هر تغییری را باید از روستاها آغاز کرد.

سقوط طالبان در مدت دوماه بمباران هوائی و با پیاده شدن دوصد و پنجاه سرباز پیادهٔ امریکائی در شمال، موجب اغفال تصمیم گیرندگان در پنتاگون و قصرسفید شد. آنها گمان کردند که طالبان در میان مردم جائی ندارند و در این اغفال ذهنی، عده ای از تازه بدوران رسیده های میدان سیاست در افغانستان با مشوره های غلط به امریکا وغربی ها سهم داشتند. مبالغه در قدرت نظامی امریکا و هر سرباز امریکائی را همانند قهرمان فیلم های هالیود بشمار آوردن، موجب شد تا این تصور بمیان آید که طالبان برای ابد از صحنهٔ سیاسی افغانستان حذف شده اند. حملهٔ امریکا به عراق نشانهٔ روشن از بی اهمیت شمردن ناامنی ها در افغانستان ودست کم گرفتن طالبان بعنوان یک نیروی رزمی خطرناک در این کشور کوهستانی بود.

ناکارآمدی دولتی که غربی ها در افغانستان از آن حمایت کردند در ایجاد موج نارضایتی در میان مردم سهم داشت و به این ترتیب طالبان بار دیگر مجال برگشت به صحنه و امکان سربازگیری از مردم ناراضی در روستا های جنوب و جنوب غرب افغانستان را یافتند.

در طول تاریخ بشر هر جنگی با ادعای تامین صلح پایدار براه افتاده و امریکا و غرب در جنگ افغانستان نیز همین ادعا را دارند اما به این حقیقت تا حد زیادی بی توجهی صورت می گیرد که سرنوشت جنگ فقط در سنگر های نبرد رقم نمی خورد، بخصوص در جنگ چریکی که در آن سنگر جنگ و پیکار تا حد زیادی نامشخص است و چریک می تواند از هرجائی دست به حمله بزند و در هر جائی پنهان شود. چریک ریشه در میان مردم دارد و قطع این ریشه می تواند به دوصورت عملی گردد: خشونت در برابر خشونت و وادار کردن مردم به کوچ اجباری و یا کار با مردم و رفع مشکلات اقتصادی آنان.

شوروی ها در زمان تجاوز به افغانستان بیشتر از سیاست زمین سوخته استفاده کرد و بسیاری از روستا ها در جنوب، شرق وحتی شمال کشور خالی از سکنه گردید. بمباران های کور و بی هدف موجب تلفات شدید غیرنظامیان شد و آنهائی که از این مصیبت جان سالم بدر بردند به کشور های همسایه پناهنده شدند. کمپ های مهاجرین در پاکستان مکان مناسب سرباز گیری برای مجاهدین بود.

بنیاد این کار را کمونیست های وطنی گذاشتند که با شدت عمل بی تناسب موجب نارضایتی و خشم مردم شدند. تره کی می گفت: کسی که بسوی ما کلوخ پرتاب نماید، ما بسویش سنگ پرتاب می کنیم. عکس العمل نامتناسب با عملکرد طرف مقابل که بیشتر از آن مردمان بیدفاع متضرر شدند، موجب شد تا روستا ها از سکنه خالی شود. زمانی روسها به این اشتباه پی بردند که دیر شده بود و تلاش های شان برای دلجوئی از مردم دیگر سودی نداشت. عملکرد های نیروهای امریکا و ناتو در جنوب، یادآور همان دوران است.

یکی از نکات دیگری که به نوبهٔ خود در تشویق ناامنی ها در طول هشت سال گذشته نقش داشت، نامتوازن بودن برنامه های بازسازی در ولایات مختلف بود. بصورت کلی بیشترین کمک ها به ولایاتی صورت گرفت که در آنها میزان ناامنی بیشتر بود. این مسئله موجب شد تا در بعضی از ولایات امن، مردم نسبت به دوام امنیت بی علاقه شوند و بازسازی و کمک به مردم را جایزهٔ جامعهٔ بین المللی به ناامنی تلقیٰ نمایند. اکنون نیز گفته می شود که برای مقابله با ناامنی ها، باید نیروهای خارجی از ولایات نسبتا امن خارج و به ولایات ناامن منتقل شود. کاری که نه تنها در تامین امنیت در مناطق ناامن مفید نخواهد بود بلکه ولایات نسبتا امن را نیز ناامن تر خواهد ساخت.

تئوری جنگ در کشورهای درگیر بحران، تناسب میان جمعیت کشور درگیر بحران و نیروهای مسلح ضد شورش را در نظر دارد که نظر به شرایط خاص هرکشور بحران زده فرق می کند. امریکائی ها در افغانستان این تناسب را یازده ویک می دانند به این معنی که در برابر هر یازده تن از جمعیت افغانستان باید یک سرباز وجود داشته باشد. به همین دلیل برای

ادامه درص ۶

جامعهٔ جهانی در پی یافتن راهی برای خروج از افغانستان است



ادامه از صفحه اول

روم را شدیداً دست وپاچه ساخت، به دنبال این حادثه برلسکونی صدر اعضم آن کشور با سراسیمه گی تمام اعلان کرد که آن کشور بخشی از نیروهای یش را که شمار شان به ۵۰۰ تن می رسد، بدون تأخیر فرا خواهد خواند. صدراعظم ایتالیا تأکید کرد که در صدد باز گرداندن حدود ۲۰۰۰ سرباز با قیماندهٔ کشورش از افغانستان است، صدراعظم ایتالیا از تمام کشور های که در افغانستان نیرو دارند خواست سربازان خویش را فراخوانند، خروج سربازان ایتالیایی با آن که نقشی چندانی در جنگ نداشتند، می تواند ضربهٔ مهمی بر ارادهٔ کشور های عضو ناتو برای ادامه حضور شان در افغانستان وارد کند.

کانادا نیز اعلان کرده است که میعاد حضور نیروهایش را در افغانستان تمدید نخواهد کرد و در سال ۲۰۱۱ که این میعاد به پایان می رسد، حتماً سربازانش را فرا خواهد خواند، دولت آلمان نیز اعلان نموده است که آمادهٔ تمدید حضور سربازانش در افغانستان نیست.

در اجلاس وزرای خارجه کشور های عضوی اتحادیهٔ اروپا در سویدن که در ماه گذشته دایر شد، کشور های آلمان و فرانسه خواهان ایجاد یک دورهٔ عبوری امنیتی در افغانستان جهت تقویت نیروهای مسلح افغانستان و فراهم آوری زمینهٔ خروج نیروهای خارجی شده بودند.

اخیراً آن دوکشور با موافقت انگلیس و ایتالیا از سازمان ملل خواسته اند تا یک کنفرانس بین المللی پیرامون وضعیت در افغانستان برگزار نماید، پیش بینی می شود، طرح استراتیژی خروج از افغانستان در این کنفرانس مورد بحث قرار گیرد.

فرماند هان نظامی امریکا که دارای بزرگترین نیرو در افغانستان است، خواهان افزایش عاجل نیروهای کشور شان جهت جلو گیری از شکست قطعی می باشند، اوباما در اتخاذ تصمیم جهت افزایش این نیروها با مشکلات جدیدی روبرو شده است، کنگرهٔ امریکا که در آن حزب دموکرات یعنی حزب اوباما اکثریت دارند، با افزایش نیروهای امریکایی در افغانستان مخالفت می کنند. اخیراً اوباما در واکنش به در خواست های مکرر فرماندهان نظامی امریکا اعلان نموده است، قبل از تصمیم بر افزایش نیروها باید روی وضعیت در افغانستان فکر کند.

فکر می شود رو به وخامت گذاشتن وضعیت و پیچیده تر شدن بحران در افغانستان که جامعه جهانی را در آستانهٔ شکست قرار داده و برخی کشور ها را واداشته تا راه برون رفت را جستجو کنند،متأثر از عوامل متعددی می باشد.

افزایش خشونت و مقاومت مسلحانه در برابر نیروهای خارجی، نا کامی کرزی در ساختن ادارهٔ سالم و مسؤلیت پذیر و ناکامی وی در مبارزه علیه فساد اداری، عدم پیشرفت و بهبودی در وضعیت اقتصادی مردم افغانستان و اخیراً رسوایی انتخابات وشکست دموکراسی در کشور، جایی برای حمایت شهروندان اروپایی و امریکایی از حضور سربازان کشور شان در افغانستان بجا نگذاشته و رهبران سیاسی آن کشور ها را برای ادامه این حضور شدیداً تحت فشار قرار داده است.

این عوامل در داخل افغانستان نیز وضعیت را به ضرر نیروهای خارجی متحول ساخته، حمایت از حضور این نیروها را شدیداً کاهش داده است. بخشی مهمی از جامعهٔ افغانستان که تا کنون از حضور نیروهای خارجی حمایت می کردند، به علت آنکه گمان می کنند این نیروها در گذشته زمینهٔ مشارکت واقعی مردم در قدرت را با عناوین مختلف از میان برده و اکنون دارند زمینه ادامهٔ یک حکومت فاسد و تقلب کار را مساعد می سازند. پس از این به عنوان اشغالگر به این نیروها نگاه می کنند و دیگر حضور این نیروها برای شان اهمیتی ندارد.

مخالفان منطقه وی این نیروها نیز اکنون با صراحت بیشتر با حضور آنان به مخالفت می پردازند. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران در سخرانی خویش در مجمع عمومی سازمان ملل تأکید کرد که، غرب مانند استعمار انگلیس و تجاوز اتحاد شوروی که در گذشته در افغانستان با شکست روبرو شدند، شکست خواهند خورد.

آنچه که تا کنون عاملی برای تأیید حضور نیروهای خارجی در افغانستان در میان شهروندان کشور های غربی و همچنان شهروندان افغانستان دانسته می شد، ضدیت در برابر القاعده و گروه طالبان بود و اما دیده می شود چون حضور این نیروها در نا بودی القاعده و طالبان تأثیری بجا نگذاشت، این حمایت نیز در حال از بین رفتن است.

با وجود صحبت از تغییر استراتیژی در افغانستان، فکر می شود تا هنوز امریکا و ناتو ارزیابی درستی از وضعیت و اشتباهات خود بدست نیاورده اند. هنوزهم استراتیژی جدید بر افزایش نیروهای خارجی و ارسال سازو برگ بیشتر جنگی تکیه دارد، هنوزهم از رویکرد های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای حل این بحران خبری در میان نیست. تا کنون در زمینهٔ تلاش برای ساختن یک حکومت سالم و ایجاد مشارکت واقعی مردم که حمایت جامعه را جلب کند، روی دست گرفتن برنامه های اقتصادی برای ایجاد شغل و کاهش فقر، تقویت نیروهای نظامی و امنیتی کشور، طرح های امیدوار کنندهٔ ارائه نمی شود. بدون توجه به عوامل شکست واشتباهات گذشته و اصلاح آن، امیدی برای پیروزی آن هم در اخرین فرصتها، انتظار بیهوده است.

بحران کنونی و راه های (احتمالی) بیرون رفت



ادامه از صفحه ا ول

او تا ۲۹ اسد می توانست این مقام را داشته باشد و از آن تاریخ به بعد، پست ریاست جمهوری خالی است!

دوـ انتخابات ریاست

جمهوری! لازم بود تا همان طوری که قانون اساسی پیش بینی کرده است، انتخابات ریاست جمهوری به موعد مقرر (یکماه) قبل از پایان دورهٔ اول، برگزار می شد و وظیفهٔ رئیس جمهور قبلی در اول جوزا به پایان می رسید، ما امروز شاهد مشکلات و بحران کنونی نمی بودیم!

رئیس جمهور، قانونی اساسی را رعات و از تطبیق آن مواظبت نکرد! در حالی که طبق مادهٔ ۶۳ قانون اساسی به آن سوگند یاد کرده بود!

پس راه حل چه بود؟ در همان زمان از همین قلم و در همین هفتهٔ نامه آمده بود که راه حل، برگزاری لویه جرگه است تا به حل این مشکل بپردازد و همچنین با تعدیل در قانون اساسی به یک سلسله ابهامات و سوالات و نا رسایی های دیگر نیز پایان ببخشد.

گرچه طرح های مختلفی ارائه شد و از جمله رویکار آمدن یک حکومت مؤقت تحت سرپرستی رئیس مشرانوجرگه و اعلام حالت اضطرار که مبنای قانونی نداشت... به همه حال، دورهٔ کار رئیس جمهور به صورت غیر قانونی تمدید گردید و انتخابات ریاست جمهوری وشورا های ولایتی نیز تحت ریاست و حکومت او برگزار شد...

یکی از دلایل مهم شک و تردید در منصفانه بودن و غیر جانبدارانه بودن انتخابات ریاست جمهوری، ادامهٔ کار آقای کرزی به صورت غیر قانونی بود.

پس برای بیرون شدن از بحران کنونی، چه راه هایی را می توان جستجو کرد؟

۱- کودتا: از راه های بسیار کوتاه تغییر، کودتا ها است.

در کشور ما کودتا ها سابقهٔ بسیار بد، وحشتناک و تباهی آور دارد. حتی اکثر کسانی که کودتا ها را به راه انداخته بودند، از آن نادم و پشیمان اند و پی آمد های ننگین و خونبار آن نمی توانند نا دیده بگیرند...

در اوضاع کنونی و با درنظر داشت حضور بی حساب قوای خارجی در کشور، کودتاـ و آنهم بدون تفاهم با خارجی ها ـ امکان پذیر نیست و در برخی کشور ها کودتا چیان توانسته اند راه حلی برای کشورشان پیدا کنند، آن ها قانون اساسی را و یا برخی از احکام آنرا معطل قرار دادند و برای یک مدت کوتاه کشور را اداره و انتخابات ریاست جمهوری را به صورت شفاف برگزار نمایند.

اما نباید این راه برگزیده شود و کشور ما تا ابد از گزند کودتا ها در امان بماند.

۲- برگزاری لویه جرگه: یکی از راه حل های بحران کنونی، برگزاری لویه جرگه است، چون برگزاری لویه جرگه از صلاحیت های رئیس جمهور است (شمارهٔ ۷ مادهٔ ۶۴ قانون اساسی) پس این راه نیز موکول به دو شرط است! یکی اینکه آقای کرزی به حیث رئیس جمهور شناخته شود و دیگر اینکه او راضی گردد تا برای بیرون رفت از بحران کنونی، لویه جرگه را دایر نماید!

۳- اعلام حالت اضطرار: این راه حل نیست و اگر باشد بازهم مانند برگزاری لویه جرگه دو شرط اساسی ذکر شده را دارد.

۳- اتهام علیه رئیس جمهور: هرگاه در ولسه جرگه مخالفین آقای کرزی او را متهم به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت نمایند (از طرف یک ثلث کل اعضا) و در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تایید شود، ولسی جرگه در خلال یک ماه لویه جرگه را دایر کرده می تواند (مادهٔ ۶۹ قانون اساسی)

۵ ـ کنفرانس بین المللی: در صورتی که جامعهٔ جهانی بخواهد مانند کنفرانس بن، یک کنفرانس دیگری را دایر نماید، بحران کنونی می تواند یک راه حلی پیدا کند. هرگاه مخالفین مساح نیز در این کنفرانس شرکت نمایند و همه احزاب مطرح و حکومت افغانستان در آن جمع شوند، می شود که یک راه حل برای بحران کنونی پیدا شود، هر چند قانون اساسی موجوده، چنین چیزی را پیش بینی نکرده است.

شاعران کلاسیک زبان فارسی دری، همه دین باور و دین محور بوده اند و آموزه های دینی چشم و چراغ و جان و جهان آن ها را می سازد. وقتی ما به بزرگان تصوف و عرفان نگاه کنیم، همه اش پند است و اندیشه و مرواریدهای سفته که درشعر شاعران بیان گردیده است.

سنایی، مولانا، سعدی، حافظ و دیگران سرمایه های عظیم فرهنگی این سرزمین هستند طوری که سنایی در مورد خود گفته است:

نکته یی گفته ام که تالیف است
سخنی رانده ام که دیوانی است

کتابی حدیقه سنایی در حقیقت یک دورهٔ حکمت عملی است که سرمشق مردم و رهنمایی اخلاق فردی و اجتماعی بشر است.

حکیم در این کتاب مردم را به خدا پرستی، نیکو کاری، شجاعت، عفت، بزرگ منشی، عشق و محبت فرا می خواند:

درویش نیم اگر چه کم می کوشم
دیوانه نیم اگرچه گم شد هوشم
گر بی برگی به مرگ مالد گوشم
آزادی را به بندگی نفروشم

حکیم می گوید که قرآن کریم ریسمان و دست آویزی است که خداوند فرو فرستاده تا ما بدان چنگ بزنیم و خویش را بدان از سیاه چاه بیرون آوریم، نه این که آن را ابزاری دکان داری، مردم فریبی و سود اندوزی سازیم. سنایی از کسانی که دین و قرآن و این وسیلهٔ معرفت و حقیقت را دام دروغ، دغل، سود اندوزی و مردم فریبی می سازند تا نان، نام و کام بدست آرند محکم را متشابه ناسخ را منسوخ سازند و به تفسیر های نا روا و تاویل نا سزا دست یازند، در حقیقت آن ها گستاخانه با کتاب خدا بازی می کنند:

رادمردان رسن بدان دارند
تا بدان آب جان به دست آرند
تو رسن را ز بهر آن سازی
تا کنی بهر نان رسن بازی
کرده منسوخ حکم هر ناسخ
نشده در علوم آن راسخ
تو رها کرده نورقرآن را
و زپی عامه صورت آن را
ساخته دست موزه سالوس
بهر یک من جو و دو کاسه سبوس
گه سرودش کنی و گاه مثل
گاه سازی از او سازی سلاح جدل
گه کنی بر قیاس تاویل
گه کنی حکم را بر این تحویل
گاه گویی رفیق جاهل را
یا نه کرباس باف کاهل را
که نویسم ترا یکی تعوذ
پاک دار ای جوان مدار پلید
لیک هدیه پگاه می باید
خون مرغ سیاه می باید
این همه حیله بهر یک دو درم

اندیشه های صلح خواهانه دراشعار شاعران بزرگ ادبیات فارسی دری



عبدالعلی کوهی استاد دانشکاه کابل

شام تا چاشتی زبهر شکم
در یکی مسجدی خزی به هوس
حلق پرباد همچو نای و جرس
زین هوس شرم شرع و دینت باد
یا خرد یا اجل قرینت باد

افق گسترده و زیبای شعر فارسی دری در آثار حماسی، عرفانی و صلح جویانه به منزله بلند ترین و شکوهمندترین قلل است از اندیشه وهنر که ستون فرهنگ این سرزمین را بنا کرده است.

***

در گسترهٔ پنهاور ادبیات فارسی دری و عرفان اسلامی انسان با هر رنگ و تباری زیباست، هیچ چیز، هیچ موجودی بد نیست انسان به همه موجودات هستی و ماحول آن بد بینی نداشته و همه را باید دوست بدارد

با چنین خو و فضل و فرهنگت
شرم بادا که نیست خود ننگت

از نظر مولانا جلال الدین محمدبلخی، تفاهم و زیست باهمی و دور از خشونت یک اصل معنوی است، مولانا مجوزی برای خشونت نمی بیند. موصوف بدین باوراست که در ورای رنگ و صورت حقیقت و یک رنگی موجود است. به تعبیر مولانا "خیال نام وننگ" و مانند آن حقیقت و واقعیت ندارد:

از خیال صلح شان وجنگ شان
و زخیال فخرشان و ننگ شان

ویا:

زین خیال رهزن راه یقین
گفت هفتاد و دو ملت راه دین
زین روش ها مختلف بین از برون
زآن خیالات ملون در درون

به گفته مولانا بسیاری از اندیشه ها برخاسته از وهم اند و حقیقت اسلام را آشکار نمی کند. مولانا در واقع به موجب همین نوع نگاه که اختلاف در عقاید ناشی از رنگ درون و نظر گاه است که باور دارد، بی رنگی به صلح می انجامد چنانکه می گوید:

چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد
موسیی با موسیی در جنگ شد
چون به بی رنگی رسی کان داشتی
موسی و فرعون دارند آشتی

بر پایه این شواهد می توان ادعا کرد که در نزد مولانا دلیلی وجود ندارد که کسی بر پایه مذهب کسی دیگر را طرد کند و او را از رحمت حق دور بشمارد و با او از سر مهر و دوستی رفتار نکند؛ همچنان رعونت برخاسته از نام وننگ قومی و چنگ زدن به منافع دیگران از روی حرص و طمع هیچ گونه سازگاری با معنویت انسان که مورد تاکید مولاناست ندارد.

مولانا هر چند مانند یک خطیب به طور صریح ما را به صلح پند و اندرزنمی دهد، اما ازکلام او فهمیده می شود که جانمایهٔ کلام و مرام او، مرحمت و شفقت است.

در گسترهٔ پنهاور ادبیات فارسی دری و عرفان اسلامی انسان با هر رنگ و تباری زیباست، هیچ چیز، هیچ موجودی بد نیست انسان به همه موجودات هستی و ماحول آن بد بینی نداشته و همه را باید دوست بدارد. حافظ دراین مورد چه خوش گفته است:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

مولانا مدعی است که انسان ها شاخه های یک ریشه اند و همه به یک ریشه و اصل خویش بر می گردند. وقتی چنین است چرا نتوانند با تساهل و مدارا زندگی را زیبا تر و جاودانه تر بسازند؟

محمودشبستر در بعد فلسفی- عرفانی خویش چنین انگاره های را برای انسان ها

بر پایه مذهب کسی دیگر را طرد کند و او را از رحمت حق دور بشمارد و با او از سر مهر و دوستی رفتار نکند؛ همچنان رعونت برخاسته از نام وننگ قومی و چنگ زدن به منافع دیگران از روی حرص و طمع هیچ گونه سازگاری با معنویت انسان که مورد تاکید مولاناست ندارد.

مولانا هر چند مانند یک خطیب به طور صریح ما را به صلح پند و اندرزنمی دهد، اما ازکلام او فهمیده می شود که جانمایهٔ کلام و مرام او، مرحمت و شفقت است.

در گسترهٔ پنهاور ادبیات فارسی دری و عرفان اسلامی انسان با هر رنگ و تباری زیباست، هیچ چیز، هیچ موجودی بد نیست انسان به همه موجودات هستی و ماحول آن بد بینی نداشته و همه را باید دوست بدارد. حافظ دراین مورد چه خوش گفته است:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

مولانا مدعی است که انسان ها شاخه های یک ریشه اند و همه به یک ریشه و اصل خویش بر می گردند. وقتی چنین است چرا نتوانند با تساهل و مدارا زندگی را زیبا تر و جاودانه تر بسازند؟

محمودشبستر در بعد فلسفی- عرفانی خویش چنین انگاره های را برای انسان ها
لازمی دانسته است:

چو برخیزد ترا این پرده از پیش
نمانده نیز حکم مذهب و کیش
همه شریعت از من و توست

های حماسی ما که یادگار قهرمانی ها و صلحشوری های نیاکان ماست همواره حدیث رزم و پیکار به کار رفته اما با آن هم از مطاوی آن ها داعیه آشتی پذیری و صلح خواهی به صورت محسوس به مشاهده می رسد. طوری که فردوسی گفته است:

اگر زوی و گر شیر چنگ
به نزدیک من صلح بهتر زجنگ

استاد طوسی در شهنامه خویش بارها از مسالمت سخن گفته و صلح و امن را برجنگ ترجیح داده است:

نشستند و با صلح گفتند باز
که از کینه با هم نگیریم باز

غزلی از زنده یاد عبدالقهار عاصی

اگر می شد

اگر می شد که دردم را برایت گریه می کردم
زمین و آسمان را پیش پایت گریه می کردم
جوانی را وفا را عشق را دیوانگی ها را
به نام آرزو در یک لقایت گریه می کردم
اگر می شد نماز عشق را پیشت ادا کردن
دو زانو می نشستم از جفایت گریه می کردم
لبانت گر به تکلیفی ز نامم داغ می آمد
گل سرخی به تمهید صدایت گریه می کردم
اگر عیبی ترا نسبت نمی شد در تقلایم
بد آموزانه بر درب سرایت گریه می کردم

استاد عطامحمد نور والی بلخ در گفتگوی اختصاصی با هفته نامه مجاهد:

حلقاتی از درون دستگاه دولت در نا امن سازی شمال دست دارند



من طرفدار تیره گی میانه بلخ با مرکز نیستم. من به این عقیده هستم که باید ما ظرفیت سیاسی به حدی کافی داشته باشیم، ما باید روحیهٔ همدیگر پذیری و عمل درست را داشته باشیم. هر کسی حق دارد مطابق اراده و ارزیابی اش تصمیم بگیرد که در پهلوی که باشد.

من هیچ نوع مشکلی با کسی ندارم، اما دیگران اگر مطابق برداشت و ظرفیت خودشان وضعیت و رابطه بلخ با مرکز را طوری دیگری نشان می دهند، باید جوابگو خود شان باشند.

اشاره:

آقای عطا محمد نور والی ولایت بلخ یکی از معدود مامورین موفق حکومت افغانستان است، وی توانسته است یک اداره نمونه در آن ولایت بسازد، طرح های عمرانی وخدماتی که آقای نور در ولایت بلخ مخصوصا شهر مزار شریف پیاده نموده سیمای آن شهر را دگرگون ساخته است.

درعرصه امنیت و معارف نیز کار عطا محمد نور می تواند الگوی برای سایر ولایات و والی ها باشد.

اما آقای نور که باید به علت این موفقیت ها مورد تمجید و تشویق حکومت قرار داشته باشد، به عنوان یک مزاحم تلقی می شود. والی بلخ از این برخورد غیر منطقی ارگان های مربوط حکومت شکایت دارد و چندی پیش نیز وزیر داخله را متهم به توطئه علیه اداره بلخ نمود.

ما گفتگویی با آقای نور ترتیب داده ایم و درموارد مختلف پرسش های را با او در میان گذشته ایم، آقای نور با صراحت لهجهٔ که دارند به این پرسش ها پاسخ گفتند این گفتگو را به صورت کامل مجاهد در این شماره به خوانندگان گرامی خویش پیش کش می نماید

سیاست:

تحلیل جناب عالی از اوضاع سیاسی کشور بعد از انتخابات چیست؟

دراین مورد چند نکته قابل یاد آوری است تقلب گسترده در انتخابات صورت گرفته، دموکراسی نو پا خدشه دار شده است و مفهوم انتخابات و دموکراسی زیرسوال رفته است. باید درکشور ما دموکراسی درست اساسگذاری می شد، اما متاسفانه که انتخاباتی مملو از تقلب عمدی، و شرم آور بر گزارشد مشروعیت آن زیرسوال رفت.

مردم با کمال علاقه و قبول خطر به پای صندوق های رای رفتند ولی دیدند که با آرای شان بازی شد، شاید مردم در آینده با دیدن اینچنین وضعیت علاقه برای انتخابات نداشته باشند.

دوستان بین المللی افغانستان دچار سردرگمی اند، آن ها میبینند که اگر مشروعیت زیرسوال برود به مفهوم ناکامی ماموریت آن ها است و اگر بگویند که حضور مردم در انتخابات کمرنگ بود. موفقیت آنها زیرسوال است و اگر بگویند که در انتخابات تقلب صورت گرفته مشروعیت انتخابات زیر سوال میرود. اگر انتخابات نامشروع ثابت شد ماموریت شان در افغانستان زیرسوال می رود.

جامعه جهانی در این سر درگمی تلاش دارند تا راهی برای مشروعیت انتخابات بیابند. شاید کسی را با یک تفاوت کم برنده اعلان بکنند ساختن یک حکومت ائتلافی یا مشارکت ملی به قول خودشان راه حل دیگریست که زیر بحث خارجیان است. در صورتی که چنین راه حل های امکان نداشته باشد شاید انتخابات را ببرند به دور دوم.

شما راه حل این معضل را که اکنون دامن گیرمردم افغانستان است درچه میدانید؟

مقامات مختلف غربی ها در این باره با من مذاکراتی داشتند، من برای آن ها گفته ام که اول باید رای های تقلبی از آرای واقعی جدا شود و رای مردم مشخص شود و به آن احترام گذاشته شود، افشای چهره های متقلب برای نجات دموکراسی افغانستان قدم ضروری است. تاکید ما بر این بود که برای سلامت دموکراسی باید انتخابات برود به دور دوم، اگر حکومت ائتلافی مطرح باشد این موضوع ارتباط دارد به رهبری ما که در راس جناب استاد ربانی و داکتر عبدالله است آن ها باید تصمیم بگیرند. بعضی از مقامات غربی نظر داشتند که اگر انتخابات به دور دوم برود باید قبل از زمستان برگزار شود، من با این نظر موافقت نکردم. نظر من این است که بایدقبل از همه چیز از برگزاری سالم انتخابات اطمینان حاصل کنیم.

انتخابات ۲۹ اسد ثابت کردکه تحقق دموکراسی و شفافیت انتخابات بدون موجودیت یک اداره سالم و مسوولیت پذیر نا ممکن است، کارکرد کمیسیون انتخابات چهره زشت فساد حکومت را به نمایش گذاشت.

باید تدابیر قانع کنندهٔ برای شفافیت انتخابات روی دست گرفته شود، یکی از این تدابیر جلوگیری از چند بار رأی دادن است، اگر در پهلوی رنگ انگشت، تصویر انگشت در کمپیوتر ثبت شود، قابل اعتماد تر خواهد بود. البته این کار نیاز به زمان دارد. در صورتی که این راهکار تطبیق شود، طبیعی است که انتخابات می رود به بهار اینده.

انتخابات درافغانستان به بهای سنگین برگزارگردید. اما دیده شدکه تقلب صورت گرفت درصورتی که این تقلب بر مردم تحمیل شود شما آینده سیاسی افغانستان را چگونه ارزیابی می کنید؟

در صورتی که تقلب سرنوشت مردم را تعیین کند، پنج سال آینده افغانستان مرگ تدریجی خواهد بود، در صورت پیروزی تقلب، خشونت، بی اعتمادی و بی باوری ها چند برابر می شود.

تا اندازه مناطق شمال از خشونت درامان مانده بود، اما نگران هستیم که دراین جا هم جنگ مشتعل شود. هنوز هم سروقت است، تا تصمیم عاقلانه وخردمندانه گرفته شود و به آرای واقعی مردم احترام گذاشته شود. برای دموکراسی احترام گذاشته شود و تصمیم ملی ومردمی برای نجات افغانستان اتخاذگردد.

درآستانهٔ انتخابات، آقای کرزی با برخی ازچهره های قدرتمند ایتلاف کرد و در نتیجه این ائتلاف ها درگفته می شودکه اکنون کرزی ازموضع قدرت حرف می زند نظر شما در مورد چیست؟

این چهره های که شما از آن ها صحبت می کنید نه قدرت دارند نه پایگاه اجتماعی، بلکه این ها ازمردم تجرید شده اند، می خواهند خود را به کرزی بچسپانند تا به چوکی و آب و نانی برسند.

این های که دراطراف کرزی صاحب جمع شدند، نتوانستند به نفع کرزی آرای مردم را بدست آورند. جز آرای تقلبی اما متأسفانه درافغانستان حاکمیت وجود ندارد، اگرحاکمیت وجود می داشت قانون نافذ می شد، تقلب صورت نمی گرفت، اگرحاکمیت وجود می داشت این همه نا امنی ها و نابسامانی وگریز ازقانون وجود نمی داشت، اگر حاکمیت وجود می داشت و فیصله های نمایندگان مردم تطبیق میبشد، تمام بدبختی های کشور ازعدم حاکمیت ناشی می شود.

مجاهد: شما درعین حالی که والی بودید ازیک کاندید مشخص حمایت کردید چرا چنین موضعی اتخاذ کردید؟

هدف من منافع مردم است، به خاطر بهتر شدن وضعییت درافغانستان بهترشدن رهبری و مدیریت کشور چنین تصمیم را گرفتم. اگر نه قدرت بلخ در دست من بود و هست، رئیس جمهور پست های بالاتری را به من پیشنهاد کرد وزارت داخله و معاونت اول را باربار به من پیشنهاد کردند، من نپذیرفتم. زیرا من امتیاز و موقف را برای شخصی خودم نمی خواهم، سرنوشت مردم و سرنوشت وطن برای من بیشتر از موقف و منصب خودم اهمیت دارد.

من تنها چشمان خود را بر ولایت بلخ ندوخته ام، من این تصمیم را تنها برای ولایت بلخ و مردم بلخ نگرفته ام بلکه این تصمیم را برای تمام مردم گرفتم، من وجداناً قبول ندارم که هموطنان قندهاری و هلمندی ما کشته شوند، مردم افغانستان در دیگر جاها هرروز توته های گوشت فرزندان معصوم خود را از زمین بردارند، و من درشمال خوشبخت باشم و بگویم که درجنوب هرکسی کشته میشود به من ربط ندارد. بگذار که کشته شود. امروزاگرما کشته شدن را درآن جا قبول کنیم فردا برسر ما هم آمدنیست.

هدف من تغییر درکل افغانستان است چون داکترعبدالله یک چهرهٔ خوش نام، دیپلومات موفق، همسنگرقهرمان ملی وهمسنگرخود ما بود تصمیم گرفتم که بروم در پهلوی وی برای نجات افغانستان وارد کار زارشوم.

درپی حمایت شما ازجناب آقای داکترعبدالله، یکمقدار روابط بلخ با حکومت مرکزی تیره شد، اکنون این روابط چگونه است؟

من طرفدار تیره گی میانه بلخ با مرکز نیستم. من به این عقیده هستم که باید ما ظرفیت سیاسی به حدی کافی داشته باشیم، ما باید روحیهٔ همدیگر پذیری و عمل درست را داشته باشیم. هر کسی حق دارد مطابق اراده و ارزیابی اش تصمیم بگیرد که در پهلوی که باشد.

من هیچ نوع مشکلی با کسی ندارم، اما دیگران اگر مطابق برداشت و ظرفیت خودشان وضعیت و رابطه بلخ با مرکز را طوری دیگری نشان می دهند، باید جوابگو خود شان باشند.

درمطبوعات غربی سروصداهای بود که گویا برسریک حکومت ایتلافی یامشارکت ملی ویا هرنامی دیگری کارشود تا جناح های مطرح درآن حضورداشته باشند وامروزهم درملاقاتی که با وزیردفاع ناروی داشتید چنین دیدگاه ها مطرح شد، درصورتی که تیم حاکم درآن حکومت نقش بیشترداشته باشد شما عضویت آن را می پذیرید؟

اول من علاقمند این هستم که باید آرای واقعی مردم تفکیک شود، بعد دیده شود که برنده واقعی انتخابات کیست؟ اگر کسی برنده نیست، باید انتخابات به دور دوم برود. در هر دو حالت که شفافیت باشد نتیجهٔ انتخابات برای ما قابل قبول خواهد بود.

درصورتی که جامعه جهانی ومردم افغانستان تصمیم بگیرند که بروند به سمت یک حکومت وسیع البنیاد و مشارکت ملی، دراین صورت ما از تصمیم رهبری تیم خویش حمایت می کنیم.

امنیت:

شما چندی پیش ادعا نمودید که دستانی هستند که امنیت ولایات شمال را برهم می زنند، ادعاهایی شما سروصدا های را در مطبوعات ایجاد کرد و عکس العمل های را در پی داشت. این ادعای شما بر مبنای چی شواهد و اسنادی استوار است؟

در ولایت فاریاب بنام گروپ های اربکی اسلحه توزیع شده است، همچنان در سرپل این گروپ ها ایجاد شده اند در کندز هم این گروپ های اربکی در حال ایجاد شدن است. از ولایت بغلان فیلم مستند ویدیویی بدست داریم که رنجرهای پولیس چگونه در بین طالبان میروند و برای انها سلاح و تجهیزات تحویل می دهند، هدایت های تیلفونی شان هم ثبت است، آنها طالبان را تجهیز می کنند و ما این اسناد را به زودی از طریق بی بی سی یا شبکه های داخلی به نشر خواهیم رساند.

در ولایت بلخ برای ۲۵ تن از قوموندانان سابق حزب اسلامی سلاح توزیع شده است که، ما همه آن ها را با تمام مشخصات میشناسیم که من از چند تن آنها در مراسم هفته شهید نام بردم.

برعلاوه سلاح، چندین عراده موترسایکل برای انجام عمل تروریستی به آنها توزیع شده است و اینها اسنادی است که مشخص است و هیچ کسی از این اسناد انکار کرده نمی تواند، اگر ضرورت شد نمره های این سلاح ها را هم افشا می کنیم.

ادامه درص ۷

قرآن معجزهٔ جاویدان

سید احمد اشرفی قسمت چهارم

وی می گوید: « ما شش نفر مان سوار بر یک کشتی مصری، وقیانوس اطلس به سوی نیویورک ی بودیم، بجز ما شش نفر بقیه سر ینان کشتی که عددشان به ۱۲۰ بالغ می‌گردید، غیر مسلمان بودند. جمعه تصمیم گرفتیم که نماز ـه را در قلب اقیانوس و برروی تی اقامه کنیم، ما علاوه بر ادای ضه دینی قصد داشتیم تا یک ـه اسلامی در برابر مبشر یحی - که مصروف تبلیغ بود و ی میل داشت ما را هم به حیت دعوت کند - بیافرینیم. بعد ذ اجازه از نا خدای کشتی، من به دن خطبه و امامت نماز پرداختیم، ب بود که مسافران غیر مسلمان اف ما حلقه زده بودند و با دقت ب انجام این فریضه اسلامی . پس از پایان نماز تعداد زیادی ن نزد ما آمدند و این موفقیت را ی ما تبریک گفتند، در میان آنها ی بود که بعداً فهمیدیم یک زن یحی یوگوسلاوی است و از جهنم یسم **تیتو** فرار کرده است، او ی تحت تأثیر نماز ما قرار گرفته که بیهم اشک می ریخت و قادر

کنترل خویش نبود. او به زبان سی شکسته و ساده بما گفت: یش شما با چه زبانی سخن فت. گفتیم به زبان عربی. گفت: هر چند یک کلمه از مطالب شما همیدم، اما دیدم که در لابلای ـه امام شما، جمله های وجود ت که از بقیه ممتاز بود. آنها دارای ب فوق العاده مؤثر وعمیقی بودند، حدیکه لرزه براندام من انداخت. ا این جمله ها مطالبی دیگری ، فکر می کنم وقتی که امام شما جمله را ادا می کرد از روح القدس ـده بود. ما بعد از اندکی فکر ـه شدیم که این جمله ها همان ی از قرآن بود که من در اثنای ـه و در نماز آنها را می خواندم. موضوع ما را تکان داد و دریافتیم آهنگ مخصوص قرآن آنچنان



مؤثر است که حتی بانویی را که یک کلمه معنای آنرا نمی فهمد تحت تأثیر شدید قرار داده است.»

ب: اعجاز قرآن از نگاه معنوی

قرآن از نگاه معنی و محتوا نیز معجزه است. اعجاز معنوی قرآن همانند اعجاز لفظی اش جوانب و ابعاد مختلف دارد قرآن هم از نظر عمق معنا و گستردگی و تنوع محتویات معجزه است و هم از نظر بیان معارف دینی و هم از لحاظ بیان احکام و قوانین و هم از نگاه بیان حوادث و وقایع گذشته و هم از نگاه پیشین بینی حوادث آینده و هم از نگاه ارایهٔ معلومات علمی که تا

ان زمان نا سناخته بوده، و هم از نگاه پیراستگی از هر گونه خطا و خرافات و تناقض و اختلاف. ذیلا به بیان برخی از جنبه های اعجاز معنوی قرآن پرداخته می شود.

۱- اعجاز قرآن از نگاه بیان حوادث گذشته: در قرآن کریم داستانهایی از اقوام و تمدنهای گذشته ذکر شده که امروز تحقیقات تاریخی و کاوشهای باستان شناسی صحت آنها را به ثبوت رسانید است. بطور مثال، قرآن از تمدنی بنام ((سبأ)) سخن گفته ۱۴که مؤرخان تا قرن نوزدهم از وجود چنین تمدنی اظهار بی اطلاعی می کردند، اما پس از حفریات و کاوشهای با ستان شناسی، جزئیات این تمدن عظیم در یمن کشف گردید، وحتی تاریخ بنای ((سد مأرب)) که در قرآن به آن اشاره شده،۵ و خصوصیات زیادی از آن نیز به همه روشن و آشکار شد.

به همین ترتیب، قرآن کریم، از قومی به نام ((عاد)) سخن گفته، و یاد آور شده که آنها شهری بنا کرده بودند بنام ((اِرَمْ)) که دارای قصرهای بزرگ و بی نظیر بوده، و خداوند آنها را بخاطر تکبر و کفرشان، توسط تند باد هولناکی به هلاکت رسانیده است.۶ چنانچه می فرماید: « ألم تر فعل ربُّک بعاد إرم ذات العماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد» (فجر: ۶– ۸) آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ ا آن شهر ارم که دارای ستونها بود همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود. و درآیهٔ دیگر می فرماید: « و أما عاد فأهلکوا بریح صرصر عاتیهٔ » (حاقهٔ: ۶) و اما قوم عاد، با تند بادی طغیانگرو سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند.

تا چندی پیش مؤرخان در وجود چنین شهری شک داشتند، اما اخیرا، امریکائیها توسط ما هوارههایی مجهز با رادارهای قدرتمندی - که توان دید ده متر زیر خاک را دارا بودند - از صحرای الربع الخالی درعربستان، عکسهایی به دست آوردند که مجرای

دو رود خشک شده را نشان می دهد که یکی از سمت غرب به طرف شرق و دیگری از سمت جنوب به طرف شمال جریان داشته و در بحیره ای فرور می ریخته که قطر آن از چهل کیلومتر تجاوز می کرده است. و در مصب هر دو رود و در سواحل بحیره مذکور، آثار شهری به چشم می خورد که از نگاه ضخامت و عظمت بنا ها، تاریخ بشری نظیر آنرا ندیده است، و وقتی باستان شناسان منطقه را حفاری کردند ، در آن شهر قلعه هشت ضلعی ای را یافتند که برستونهای حجیم و ضخیمی استوار گردیده است، و پس از مشوره با دانشمندان تاریخ و باستان شناسی و علمای ادیان به اتفاق آراء به این نتیجه رسیدند که این بناها آثارهمان شهر ارم است که وصف آن در قرآن ذکر شده است. **ادامه دارد**

مک کرستال استراتژی جدید با راهکار های ...

کمیت اردوی افغانستان هدفی ـدود چهارصد هزار تن در نظر ، شده است.

از آنجا که در طول هشت سال ـته توجه کمی به ایجاد و تقویت ـای نظامی در افغانستان صورت ، امروز نیروهای نظامی این کشور صد هزار تن نمی رسد و این نیرو طوری که لازم است آموزش دیده ـت. بنابراین راه مقابله با شورش روزافزون در کوتاه مدت می تواند ی شمار سربازان خارجی باشد.

اعزام نیروی بیشتر به معنی رش دامنهٔ جنگ و در نتیجه کشتار غیرنظامیان خواهد بود. امریکا رف بیشتری خواهد پرداخت و تلفات انسانی بیشتری را تحمل خواهد کرد.

جالب است که گفته می شود تعداد نیروهای شورشی در افغانستان بین بیست تا سی هزار نفر است. سوال اینست که چرا ناتو با اینهمه سازوسامان و مصارف هنگفت ونیروی به مراتب بیشتر وکارآزموده تر، از پیروزی در برابر طالبان عاجز است؟

دلیل عمدهٔ این امر اینست که ناتو نیروئی برای مقابله با جنگ چریکی نیست. جنگجویان ضد دولتی در افغانستان مقاوم ترین نیروی چریکی در جهان اند. اگر شکست چنین نیروئی از راه نظامی امکان پذیر می بود، باید اتحاد شوروی به این کار توفیق می یافت. تجربهٔ ناتو در ولایت هلمند قبل از انتخابات افغانستان نشانهٔ بارزی از ناکارآمدی ناتو در چنین جنگ است. جنرال مک کریستال قبول دارد که انگیزه این جنگ از نظر شورشیان، دارای بار ایدئولوژیک است. از چنین میدان جنگی پیروز بدرآمدن کار آسانی نیست.

بهتر این بود که جنرال مک کریستال بجای پیچیدن تاکتیک های کهنه در لفافهٔ استراتژی بظاهر جدید، واقعا استراتژی جدیدی را عرضه می کرد که بجای تاکید بیشتر بر گزینهٔ جنگ از راه افزایش نیرو، بر مصالحه و تفاهم بین الافغانی اتکا می داشت و نیروهای خارجی بجای تلاش بی ثمر در پیروزی از راه نظامی، بشکل نیروی حافظ صلح، افغانها را در کار رسیدن به تفاهم و صلح یاری می کردند.

بحران ها فراگیر می شوند



ادامه از صفحه اول

اما نه تنها بحران های گذشته کمرنگ نشدند که تازه بحران های دیگر هم بر آن بحران ها افزوده شدند.

بحران اعتماد ملی، بحران استقلالیت کشور، بحران غارت سرمایه های ملی، بحران آسیب پذیری مفاخر ملی، بحران خدشه برداری هویت ملی، بحران انهزام و شکست نیرو های ناتو در برابر نیرو های مخالف دولت و بالآخره بحران تقلب در انتخابات اخیر برای گزینش رهبری جدید کشور و همه و همه بحران های اند که بعد از تحول جدید درین کشور جوانه زدند و سیل همه گیر این بحران ها، بنیان آن امیدی را که برای ملت ما در آغازین روزهای تحول جدید، پیدا گردیده بود، برانداخت.

آری! آنچه را که برشمردیم همه بیانگر آن است که بحران درین کشور فراگیر شده و ملت را در هاله از تشویش و اضطراب قرار داده است.

سخن اصلی و جانمایه این بحث همانا مهار بحران های موجود درین کشور بحران زده است.

آیا با وضع موجود و حاکمیت سیاست «همان آش و همان کاسه» می توان در مهار این بحران فراگیر توفیقی بدست آورد؟

بازسازی اعتماد ملی با همه آسیب های که دیده است، از چه طریقی میسر خواهد شد؟ آیا مخالفان آمادگی نشان خواهند داد که دریک برمانه کلان ملی بدور از امتیاز خواهی ها داخل شوند و به اشتراک همه اطراف دخیل و موثر در مهار این بحران سهیم گردند؟ و آیا های دیگر... بدون شک پاسخ به همه پرسش های یاد شده همانا تدوین یک برنامه جامع و همه جانبه است بر نامه ای که باید در چار چوب منافع علیای کشور و استقلالیت آن و نیاز های کنونی این ملت در عرصه های مختلف ترتیب و تنظیم گردد و ملاحظات جوانب موثر در مهار بحران فعلی درین برنامه دخیل باشد. ناگفته نماند که مهار بحران این کشور را نباید با کشور های دیگر درگیر بحران مقایسه کرد،

بحران ها در هر کشوری طبعیت ویژه خود را دارند، و همان گونه نمی توان نسخه تداوی یک مریض را در تداوی مریض دیگری تطبیق کرد به عین شکل نمی توان بحران کشوری چون افغانستان را با بحران عراق وکوسوفو مقایسه کرد مهار بحران در هر کشوری با مهار آن در کشور دیگری فرق می کند زیرا شناخت هر بحران چه سیاسی و چه اجتماعی درگر و شناخت عناصر تشکیل آن بحران است که طبعیت ویژه خود را داردند.

بناءً مهار بحران کنونی درین کشور بابرنامه های مهار بحران در کشور های که فاقد آگاهی از ویژگی های این ملت و ترکیب ملی آن می باشند، امری است بدور از امکان.

با ملاحظه آنچه گفته آمد، وضع کنونی افغانستان درگیر بحران، وضعی است کاملاً استثنائی و منحصر به فرد، اگر کشور های ذی نفع در افغانستان برسیاست های ناکام گذشته خود چلیپا نکشند و ترجیح گروهی را بر گروه دیگر بنام های این و آن، ترک نگویند و بدون احترام به ارزش های ملی و اعتقادی این ملیت به پیش روند. و اگر نیروهای داخلی سیاست اتکا به قدرت های بیرونی ذی نفع در افغانستان را کنار نگذاشته و پیروزی خود را در حذف سایر نیروهای ملی، جستجو کنند و اکثر نیرو های مخالف دولت برنامه های قبلی خویش بند به برنامه های فراقومی تبدیل نکنند، بدون شک بحران های کنونی فراگیر تر شده و پیامد آن جز دربدری ملت و خدشه دارشدن هویت ملی این سرزمین چیز دیگری نخواهد بود بحران که قربانی اول و اخیر آن مردم است و لاغیر...

ادامه گفتگوی استاد عطا محمد نور والی بلخ...

این تحرکات از سوی کی ها سازماندهی میشود؟

این گونه اعمال تخریبی در شمال توسط حلقات معین دولت صورت میگیرد. البته اربکی ها توسط مقامات دولتی شاید هم وزارت داخله تجهیز و تمویل میشود. حرف ما این است که وقتی دولت قدرت این را دارد که اربکی را تجهیز و تمویل بکند، چرا این مصارف بالای تجهیز و تمویل نهاد های امنیتی صورت نمی گیرد. یک قطعه خاص دیگر می خواهند در ولایت بلخ سازمان دهی کنند، یکی از ماموران بدنام حکومت به نام جمعه خان همدرد، مسؤولیت این کار را بدوش دارد. وی تعدادی از افراد اوباش را به کابل به وزارت داخله برده و امکانات گرفته است تا در بلخ دست به آشوب بزنند. باید همه بدانند که دربلخ ضرورتی برای قطعه خاص خارج از چوکات پولیس نیست به اربکی هم نیازی نیست.

درحالی که دربرخی ازنقاط کشورجنگ است و هرروز تلفات بالا می رود، چرا می خواهند وضعیت در شمال خراب شود؟

خوب من به شخص آقای کرزی احترام دارم، شاید نیت بد نداشته باشد ولی هستند کسانی مانند وزیر داخله که خود را در پهلوی آقای کرزی جا زده اند و نمی خواهند شمال آرام باشد. شما ببیند درجای که به روی دختران معصوم تیزاب پاشیده می شود. درجای که مردم به نام این و آن گردن زده می شوند درجای که پولیس وقتی دستگیر می شود مانند یک مرغ سر بریده می شود یک روز آیا شمادیده اید که وزیرداخله کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرده باشد و چنین جنایاتی را تقبیح کرده باشد. درصورتی که این ها توانمند آرام می برند، و می خواهند پالیسی فقر وجنگ را سراسری بسازند.

برای احیای امنیت شما چه راهکارهای تازه دارید؟

بدون شک توطیه وجود دارد و ادامه دارد، اما به هیچ وجه بی تفاوت نیستیم، آرام نمی شنیم وآنچه راکه به بهای خون فرزندان مردم وشهدای عزیز بدست آوردیم، نمی گذاریم که دیگران نابود کنند.

اجتماع:

ازمسایلی سیاسی برمی می گردیم به موضوعاتی که برای مردم درعرصه های اقتصادی و اجتماعی دربلخ صورت گرفته؟

ما الحمدالله از روابط بسیار خوب و تنگاتنگ با مردم برخوردارهستیم، حمایت و پشتیبانی مردم باعث دست آوردهای ما دربلخ است، ما ازخداوند و این مردم درهرشرایط سپاسگزاریم، که ما را حمایت کردند، کمک کردند وتشویق کردند، در برابرخشونت ها ایستادگی کردند، توطیه ها و دسایس دشمن ها راخنثا کردند، جهت کار درعرصه های انکشافی امکاناتی خوبی نداریم گرچه ولایت بلخ عوایدی خوبی دارد، اما این عواید را به حکومت مرکزی میدهیم که باید هم بدهیم وافتخارهم می کنیم که بودجه عمومی تقویت می شود.

اما من کاری که کردم سهم مردم وتجار را بیشترفعال ساخیم، تجارما درنوسازی شهر شان نقش فعال داشتند، زمینه را مساعد ساختم که موسسات خیریه بیایند وکار های بکنند.

در زمینه های دیگر چه فعالیت های دربلخ صورت گرفته است؟

در عرصه های دیگر هم دست

در عرصه های دیگر هم دست

آوردهای خوبی داریم، مثلا درعرصه معارف کارهای زیادی صورت گرفته است، مکاتب زیادی را اعمارکردیم، سطح کیفت تدریس بالا است، ما تقریباً دربلخ نیم میلیون شاگرد، چهارصد باب مکتب، درحدود یازده هزارمعلم داریم، یک دانشگاه دولتی وسه موسسه تحصیلات عالی خصوصی داریم، دردانشگاه دولتی بیش ازهفت هزاردانشجوداریم.

بیشترازدوصد وپنجاه استاد دانشگاه داریم، دانشگاه بلخ دارای لابراتوارهای مجهز، کتابخانه و مراکز آموزش برای کمپیوتر و انترنت میاباشد.

در بخش صحت هم فعالیت های صورت گرفته است. یک شفاخانه ۴۰۰ بسترآلمانی ها و سویدنی ها به هزینه ۱۱ میلیون یورو ساخته اند برعلاوه چندین شفاخانه کلنیک های صحی در مرکز و ولسوالی های ولایت بلخ اعمار شده است که، قسمت اعظم مشکلات صحی مردم را رفع میسازد.

در عرصه آبرسانی هم کارهای صورت گرفته تنها در یک بند ۱۶ میلیون دالر سرمایه

سرک های داخل شهر کلاً قیر ریزی شده است و سرکهای برخی ولسوالی ها هم قیرریزی شده است.

چندین سب استیشن برق به سیستم مدرن فعال شده، نوسازی شبکه داخلی شهر به هزینه ۲۵ میلیون دالر در جریان است.

فعالیت های سیاسی:

شما به عنوان یکی از مقامات دولت فعالیت های حزبی هم دارید، دراین زمینه اگر بگوید:

من این افتخار را دارم که از دوران جهاد بدین سو عضو جمعیت اسلامی هستم. ما قربانی های زیادی در راه جهاد ومقاومت تقدیم وطن و دین کردیم؛ قهرمان ملی را از دست دادیم، دردورهٔ مقاومت تمام احزاب شکست خورده فرار کرده بودند. فقط جمعیت بود که به رهبری جناب استاد ربانی و قهرمان ملی در برابر دشمن ایستادگی کرد. و این جزء افتخارات ما است. من وقتی که به کاخ سفید رفتم و در ملاقاتی که با رهبران امریکا داشتم از عضویتم در جمعیت یاد کردم. من در برخی از صحبت هایم با رئیس جمهور هم گفته ام که من افتخار میکنم که یک جمعیتی هستم و گفته ام که من استاد ربانی را منحیث رهبر و پدر معنوی دوستش دارم و در دولت هم صادقانه کار میکنم، در مقابل رئیس جمهور هم از موقف من حمایت کرده تشویق کرده اند. فعالیت های حزبی را وقتی می کنم که در تعارض با فعالیت های رسمی واقع نشود.

فعالیت های حزبی ما چشمگیر است برادرهای زیادی در این عرصه کار میکنند و در اکثر ولایات دفاترحزبی ما فعال است، اگر چه من مسؤول جمعیت در شمال هستم اما، حتی در بامیان و کابل و گردیزهم به اجازه رهبر جمعیت دفاتری را فعال کرده ام.

برخی از اعضای جمعیت در تصامیم

برخی از اعضای جمعیت در تـ سامیم سیاسی شان گاهی می لغزند، پیام تان به آن ها چیست؟

بدبختانه هستند کسانی که عزت و حیثیت و افتخارات تاریخی و فرهنگی خود را در برابر یک امتیاز ناچیز و یک چوکی معامله می کنند. آدم نباید حیثیت و وجدانش را به معامله بگذارد پیام من برای آنها این است که برای وطن برای، افتخارات اسلامی و افتخارات ملی بیندیشند هیچ چیز را در برابر این افتخارات معامله نکنند.

هیچ چیز ارزش این را ندارد که ما عزت خود را به سر مقام به معامله بگذاریم، ما باید به نسل های امروز و فردا سمبول و الگوی آزادی و سرفرازی باشیم. ولی بدبختانه که برخی از همسنگران ما همیشه مشغول معامله هستند. یک روز در دسترخوان جبهه ملی جمع می شوند یک روز علیه دولت حرف می زنند. بعد می بینی که نا گهان می روند و معامله می کنند.

خواهش من از آنها این است که برای وحدت ملی، منافع کشور و حفظ ارزش ها و افتخارات اسلامی، جهادی و میهنی کار کنند.

هستند، چرا از آنها دفاع نمی کند در بغلان و قندر و بالا مرغاب و غورماج وضعیت امنیتی بدتر می شود این ها به این مناطق توجه نمی کنند ولی درجای مداخله می کنند که درآن جا ققانون حاکمیت دارد، مردم درکناردولت و دولت درکنارمردم باهم کارمی کنند، درچنین جاهای مداخله می کنند، سلاح توزیع می کنند و مشکل ایجاد می کنند، تا دست آورد های مسؤولان را زیرسوال برند و برسر راه توسعه و رفاه مردم ممانعت ایجادکنند. به صراحت می گویم هستند کسانی که دنبال یک برنامه دور از منطق هستند، منطق این است درجای که جنگ است باید برای آوردن امنیت و رفاه و آسایش مردم کار صورت بگیرد تا مردم در پناه امنیت از مزایای زندگی بخوردارشوند و درجای که ثبات است باید به عنوان یک دست آورد حفظ شود. اما این ها تلاش دارند که جنگ را تقسیم عادلانه کنند، دوست دارند دراین جا هم جنگ باشد، منطقی این است که درجای که فقراست باید برای فقرزدای برنامه داشته باشیم ودرجای که فقرنیست باید کارهای بیشترصورت بگیرد، اما این ها درپی آن اند که فقر را تقسیم بکنند، یعنی جنگ را به جاهای

تقلب در انتخابات و اختلافات بر...

کای آیده نمایندهٔ ویژهٔ سازمان ملل طرفدار باز شماری بخشی از موارد شناسایی شدهٔ تقلب است، و کمیسیون شکایات انتخاباتی کارش را مبنی بر همین نظریه آقای کای آیده آغاز کرده است!

از آغاز افشای موارد تقلب میان اقای کای آیده و معاونش آقای پیترگلبریت اختلاف نظر و حتی درگیری وجود داشته است، این درگیری میان این دو به رسانه ها هم درز کرد و آنان را هم به نحوی وارد عرصهٔ درگیری های انتخاباتی کرد. تا جایی که برخی از رسانه های طرفدار آقای کرزی مانند ویسا، آقای پیترگلبریت را از طرفداران صربی ها در جنگ های بوسنی هرزیوگوین خواند و او را متهم به رساندن سلاح به حربی ها در دوران ماموریتش به عنوان سفیر آمریکا در بوسنی هرزیوگوین کرد. تا بتوانند به این وسیله از اهمیت نظریات او در مورد تقلب در انتخابات افغانستان بکاهند.

در حالی که آقای پیترگلبریت از سوی رادوان کارازیچ رهبر فاشیست صربی های بوسنی که اکنون به جرم جنایات جنگی در دادگاه لاهه تحت محاکمه قرار دارد متهم شده است که در جنگ بوسنی زمینهٔ ارسال سلاح به مسلمانان بوسنی توسط ایران را فراهم کرده است، این مطلب را به تاریخ ۲۷ اگست ۲۰۰۹ هم روزنامه دیلی تایمز چاپ پاکستان و هم در ویب سایت رادیوی صربیا از قول رادوان کارازیچ نوشته اند.

طرفداران آقای کرزی برای پوشاندن فضاحت تقلب در انتخابات حاضرند دست به هر تقلبی بزنند حتی می توانند با تقلب کاری و جعل در حوادث، هویت و شناسنامهٔ بسیاری از شخصیت های ملی و بین المللی نامطلوب برای شان را تغییر دهند تا به مزاق تقلب انتخاباتی شان جور درآیند.

اما مردم افغانستان باور دارند که سیمای تقلب کاران روشن گردیده است و با تقلب نمی توانند بر مردم حکومت برانند. مردم افغانستان مشت تقلب کاران را باز خواهند کرد.

د ملاعمر د پیغام څو مهم ټکي

خپاند



دکوچني اختر د راسیدوله کبله، دطالبانو مشر (ملاعمر آخند) یوپیغام نشرته سپارلی چې مهم ټکي یې دادي:

۱- که چیري بهرنیان وغواړي چې زمونږ له خاوري نه ووځي، نو مونږ کولای شو چې ستاسو د وتلو لپاره معقوله لاره و لټوو او ورته لاره هواره کړو!

۲- ملي پولیس، ملي اردو، او ملي امنیت کارکوونکو ته یو ځل بیا د بې دین، بداخلاق، او له کورونو څخه رټل شوی خطاب شوی...

۳- د ځان وژنکو یو ځل بیا ستاینه شوی او داچې هغوی له بارود او مرمیونه ډك واسکټونه اغوندی، دا واسکټونوته ډیر ښکلي جامي ویل شوی دي!

۴- په جوماتونو او په ګڼه ګونه کې چاودنې، په لارو کې د خلکو شکول، دغو روڼو او پوزو پرېکول د مخالف په نوم او د کتابونو سوځول او .... نه باید ډډه وشي.

۵- هغه کسان چې ځان ته مجاهد وایي او دحکومت ترڅنګ ولاړ دي، باید له دي لاري وګرځي او..

• په دي پیغام کې نوي خبره، د بهرنیانو د وتلو په صورت کې، هغوی ته لاره برابرول دي. د وروستي چاودني په پایله کې چې شپږ ایتالوی عسکر ووژل شول او د ایتالیې صدراعظم نه یواځې د خپل هیواد د عسکرو د وتلو خبره وکړه، بلکې نوروته هم توصیه وکړه چې افغانستان نه ووځي...

دا مساله طالبان و هڅول چې د بهرنیانو د وژلو بهیر ګړندي کړي او کیدای شي چې ډیري هیوادونه خپل پوځونه له هیواد نه وباسي.

نو د طالبانو د مشر دا خبره چې د بهرنیانو د وتلو په صورت کې. هغوی ته لاره برابره وي، کیدای شي چې بهرنیان دي ته وهڅوي چې د وتلو پروګرام ګړندي کړي او طالبانو سره خبري اتري وکړي.

• د بهرنیانو د پوځي شتون په اړه باید وویل شي چې د طالبانو تحریك خپل جنګي عملیات هغه وخت پیل کړل چې یو بهرنی هم په هیواد کې شتون نه درلود اوهغوی یواځې د مجاهدینو پر خلاف جنګیدل.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست وپنجم ٤ میزان- ١٣٨٨ -٦ شوال المکرم ١٤٣٠ 26- September 2009

شصت وچهارمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد آغاز به کار کرد



مجمع عمومی سازمان ملل که سال یک بار در نیویارک مقر این سازمان تشکیل جلسه می دهد سه شنبه ۳۱ سنبله امسال آغاز به کار کرد، قرار است این جلسات تا ششم میزان ادامه یابد.

رهبران و وزرای خارجه ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل از جمله رهبران اعضای دایمی شورای امنیت دراین جلسه شرکت نمودند.

مهمترین سخنران مجمع عمومی امسال تا کنون بارک اوباما رئیس جمهور امریکا بود. وی که برای نخستین بار دراین جلسات شرکت می کند، با لحنی متفاوت از رهبران گذشته امریکا صحبت کرد. او گفت امریکا نمی تواند به تنهای مشکلات جهان را حل کند، وی پذیرفت که امریکا به دلیل تک روی رهبران گذشته اش مورد ملامت قرار دارد.

آقای اوباما به اقداماتی از جمله ممنوع ساختن شکنجه، کمک به توسعه افغانستان و پاکستان، پایان دادن به جنگ عراق، کاربا روسیه برای کاهش تسلیحات اتمی و تعهد به کاهش گاز های گلخانه یی به عنوان مهمترین اقدامات خویش یاد کرد.

اوباما تعهد کرد که برای حل بحران فلسطین وصلح اسرائیل با عرب ها تلاش خواهد کرد. رئیس جمهور امریکا به مساله هسته یی ایران و کوریا اشاره کرد و گفت باید آن ها متوجه سیاست های خود باشند.

معمر القذافی رهبر لیبیا که پا به چهل ویک مین سال ریاست جمهوری اش گذاشته و پس از چهل سال به عنوان رهبر لیبیا در جلسات مجمع عمومی شرکت می کند، با عنوان کردن سخنان جدل برانگیزش توجه ها را به خود معطوف ساخت. قذافی که پس از تلاش های زیاد نتوانست خیمه اش را در شهر نیویارک بر پا نماید، در سخنرانی یک و نیم ساعته خویش به انتقاد از امریکا و شورای امنیت سازمان ملل پرداخت و خواهان انتقال مقر سازمان ملل از امریکا به نقطهٔ در مرکز کره زمین و یا شرق آسیا شد.

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران سخنران دیگری بود که توجه ها را به خود جلب نمود. وی آمادگی خویش را برای مذاکره با غرب جهت حل اختلافات با ایران اعلان نمود، احمد نژاد از امریکا و دیگر کشورهای غربی خواست تا نیروهای شان را از منطقه خارج کنند.

نکته قابل یاد آوری در اجلاس امسال سازمان ملل، این است که موضوع افغانستان تا کنون در حاشیه قرار دارد. اوباما جز اشاره مختصر حرفی در مورد افغانستان نداشت. رئیس جمهورکرزی نیز امسال به مجمع عمومی نرفت و بجای وی سپنتا وزیر امور خارجه در آن جلسات شرکت کرده است.

در مورد غیبت کرزی در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل گمانه زنی های متفاوتی صورت گرفته است، برخی ها می گویند که تقلبات انجام یافته در انتخابات اخیر که توسط طرفداران کرزی در حکومت و کمیسیون انتخابات صورت گرفت، هیچ آبروی برای کرزی جهت شرکت در یک همایش بین المللی نمانده است. وی از ترس انتقاد های تند مقامات امریکایی و سایر خارجیان جرأت رفتن به مجمع عمومی سازمان ملل را نداشته است.

برخی دیگر می گویندچون، هیچ مقام امریکایی و خارجی تمایل برای ملاقات با کرزی نشان نداده اند وی، ترجیح داده است که از رفتن به به نیویارک منصرف شود، البته برخی گفته اند کرزی نتوانسته است ویزای امریکا را دریافت کند، شماری هم می گویند کرزی نگران امنیت خویش است.

به هر حال علت هر چه باشد، نشان می دهد که تقلب در انتخابات برای افغانستان و رئیس جمهور آن که برخی او را مسؤول تقلبات می دانند اعتباری به جا نگذاشته است. اگر چنین تقلبی صورت نمی گرفت و اگرآقای کرزی درانتخابات بازنده هم می شد. اکنون می توانست به عنوان رئیس جمهور افغانستان با سربلندی در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل شرکت نماید و مورد استقبال امریکاییان و سایر خارجیان قرار گیرد. اما حرص و آز قدرت این امکان را از آقای کرزی و افغانستان گرفت.

سرنوشت انتخابات افغانستان 'تا ده روز دیگر' مشخص می شود

کمیسیون انتخابات افغانستان تا ده روز دیگر نتایج انتخابات را اعلان می کند

طبق نتایج مقدماتی انتخابات حامد کرزی حدود ۵۴ درصد، داکترعبدالله ۲۸ درصد و رمضان بشردوست ۹ درصد آرای را به دست آورده اند. اعلان نتایج مقدماتی انتخابات توسط کمیسیون انتخابات به صورت گسترده مورد انتقاد و تردید برخی نامزدها و ناظران انتخابات قرار گرفته است. ناظران بین المللی و داخلی اعتقاد دارند که درانتخابات ۲۹ اسد تقلبات گسترده به نفع آقای کرزی صورت گرفته و مشروعیتی برای آن باقی نمانده است نامزدان رقیب کمیسیون انتخابات را متهم می کنند که به نفع آقای کرزی در تقلبات دست دارد.

این نامزدان تاکید می کنند اگر تقلبات به صورت شفاف مورد رسیدگی قرار گیرد، انتخابات به صورت حتم به دور دوم خواهد رفت.

داوود علی نجفی رئیس دارالانشای کمیسیون انتخابات اعلان نموده است که آن کمیسیون با کمیسیون شکایات انتخاباتی به توافق رسیده اند که از آرای مشکوک برای بررسی بروز تقلب نمونه گیری کنند.

او گفت روند نمونه گیری ۱۰ درصد آرایی که از سوی کمیسیون شکایات انتخاباتی "مشکوک" دانسته شده، از روز شنبه آینده آغاز خواهد شد و احتمالاً تا ۱۰ روز دیگر نتایج بررسی آن مشخص خواهد شد. اما نمونه گیری از ده درصد آرای مشکوک نمی تواند انتظار معترضان را فراهم کند آنچه که نامزدان رقیب و شماری از گروه های سیاسی افغانستان انتظار آن را دارند بازشماری کامل تمام آرای مشکوک و تفکیک آرای تقلبی از آرای واقعی مردم و باطل اعلان کردن آن است. بدون چنین اقداماتی، اعتماد مردم و مشروعیت انتخابات همچنان زیر سوال است.

دستگیری اعضای یک گروه آدم ربا در کابل

وزارت داخله از بازداشت یک گروه آدم ربا در کابل خبر داده است. به گفته مقامات، این گروه یک دختر ۱۶ ساله را ربوده بودند.

ازمری بشری، سخنگوی وزارت داخله در یک نشست خبری در کابل گفت که آدم ربایان این دختر را از شهر مزار شریف، در شمال افغانستان ربودند و چند بار به او تجاوز کردند.

آقای بشری گفت این گروه آدم ربایان شامل چهار مرد و یک زن بود و در مناطق مختلف افغانستان در چند مورد آدم ربایی دست داشتند و قربانیان خود را به فروش می رساندند.

سخنگوی وزارت داخله گفت آنان این بار دست به ربودن یک دختر ۱۶ ساله زدند. به گفته او، آدم ربایان این دختر را در حالی که مسموم کرده بودند، از مزار شریف به کابل و از آن جا به ولایت لوگر منتقل کردند.

آقای بشری گفت این آدم ربایان قصد داشتند این دختر را در برابر ۲۵۰ هزار افغانی) بفروشند. سخنگوی وزارت داخله گفت پلیس سه تن از آدم ربایان را روز ۲۷ سنبله هنگام معامله فروش این دختر در منطقه "قلعه زمان خان" شهر کابل دستگیر کرد.

سخنگوی وزارت داخله گفت این دختر در حال حاضر در محل امنی به سر می برد و حال او خوب است.

او گفت تلاش برای بازداشت دو عضو دیگر این شبکه آدم ربایان ادامه دارد.

آقای بشری گفت اعضای این شبکه در چند مورد آدم ربایی دیگر هم دست داشته و قربانیان را فروخته اند، اما او گفت براساس دلائلی نمی تواند جزئیات این آدم ربایی ها را پیش از دستگیری اعضای فراری این شبکه فاش کند. گفته می شود دریافت پول، بهره برداری جنسی و فروش قربانیان آدم ربایی به شبکه های قاچاق انسان، از مهمترین اهداف آدم رباپان در افغانستان است.

تقلب در انتخابات و اختلافات برسر باز شماری آراء

واقف حکیمی



پس از آن که طشت رسوایی تقلب سازمان یافتهٔ دولت در انتخابات اخیر به زمین خورد و اسناد و دلائل و شواهدی انکار ناپذیر بر گستردگی این تقلب از سوی ستاد انتخاباتی دکتر عبدالله و ناظران اروپائی کمیسیون شکایات انتخاباتی ارائه شد، به ویژه پس از آن که ناظران اروپایی یک میلیون و پانصدهزار رأی را مشکوک خواندند، احتمال می رفت کمیسیون شکایات انتخاباتی رسیدگی به همهٔ این موارد را در دستور کارخویش قرار دهد، اما [ای]ن کمیسیون اعلام کرده است که تنها ده [د]رصد آراء را مورد باز شماری و تفتیش قرار [م]ی دهد.

اکنون این پرسش مطرح می شود [ک]ه آیا این مقدار همهٔ موارد قابل باز رسی [ا]ست یا این که به عنوان نمونه مورد [ارز]یابی قرار می گیرد؟

تقلب گسترده و سازمان یافته در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بسیاری از کشور ها و نهاد های بین المللی را برسر دو راهی قرار داده است.

برخی به این باورند که باید این انتخابات جهت باز گردانیدن ثبات و استقرار به کشور شفاف سازی شود و همه موارد تقلب بازشناسی گردد. گفته می شود این رأی طرفدارانی زیاد دارد از جمله بسیاری از کشور های اروپایی طرفدار این نظر هستند و برخی از سیاستمداران امریکایی از جمله آقای اوباما نیز متعلق به این جمع می باشند.

برخی دیگر مؤسسات و جهات بین المللی می خواهند راهی میانه را انتخاب کنند و به جای سخن گفتن از برنده و بازندهٔ این انتخابات، در صدد ایجاد حکومتی با مشارکت همهٔ اطراف باشند. اما هیچ یکی از این ها حرف آخر را در این زمینه نگفته اند.

گفته می شود ریچاردهالبروک فرستادهٔ ویژهٔ آمریکا در افغانستان و پاکستان و معاون نمایندگی ویژهٔ سازمان ملل متحد در افغانستان آقای پیترکلبریت نیز می خواهند همهٔ موارد تقلب در انتخابات شناسایی و جلو کسانی که می خواهند با تقلب به حکومت دست یابند گرفته شود، در حالی که ادامه درص۷